



# امنیت، مدیریت، آرمان و تجدد

در میزگردی با حضور تنی چند از چهره‌های فرهنگی

□ حسن رضایی



## اشاره

این میزگرد، با هدف ارائه یک نگرش نقادانه نسبت به کارنامهٔ ادارهٔ موقت شکل یافته و از هرگونه جهت‌گیری جناحی به دور است. ما بی آن که نسبت به جناح‌های سیاسی کشور پیش فرض خاصی داشته باشیم، سعی کردیم سؤالات را بر حسب واقعیات کشور و اوضاع شرایط موجود بین‌المللی طرح کنیم. شاید تنوع و نیز اصرار در شیوهٔ طرح این سؤالات - که به نظر ما فقط اشاره به اوضاع و شرایط واقعی کشور دارند - مایهٔ آزرده‌گی خاطر برخی از جناح‌ها و افراد شود، اما از آزرده‌گی عاطفی که بگذریم، ما نیز هدف مان این بوده است که از رهگذر چنین گفت‌وگوهایی اشخاص و جناح‌های سیاسی نسبت به سرنوشت مردم و کشور احساس تعهد بیشتری کنند و از این اندیشهٔ فرسوده دست بردارند که آنان در حلقهٔ به فعالیت سیاسی می‌پردازند. اگر چنین حس و ولودر مسئولان دون پایه ایجاد شود و یا از این رهگذر مردم به حقوق خویش آگاه‌تر شوند، البته که ما به هدف خود نزدیک شده‌ایم. در این میزگرد آقایان دکتر سید عبدالحمید معصومی پزشک و محقق علوم اسلامی، صادق افضل‌ی کارشناس حقوق بین‌الملل، سید فضل‌الله قدسی شاعر، حجت‌الاسلام علی فصیحی مدیر مسئول نشریه بنیاد وحدت و حسنعلی غلامی کارشناس ارشد زمین‌شناسی حضور داشتند. خط سوم امتنان خود را از این بزرگواران پیشاپیش ابراز می‌دارد.





● خط سوم: آقای دکتر معصومی! ما در تاریخ معاصر، تجارب مشابه جهانی مثل تجربه فعلی خود داریم. فی‌المثل در جنگ جهانی دوم بعد از شکست آلمان و جاپان و کلاً متحدین، نیروهای که باقی مانده بودند این آمادگی را داشتند که با نیروهای بین‌المللی یا در واقع همان متفقین همکاری بکنند. سؤال ما از جناب عالی این است: با توجه به این که تشکیل‌دهندگان اداره موقت نیروهایی بودند که جامعه بین‌المللی قبل از ۱۱ سپتامبر با آن‌ها آمادگی همکاری چندانی نداشت. جناب‌عالی بفرمایید که اداره شش ماهه از این منظر چه چیزی را نشان می‌دهد؟

○ دکتر معصومی: البته تجربه ما با تجربه‌هایی از نوع جنگ جهانی دوم متفاوت است. در مبارزات افغانستان، قیام مردم و ملت علیه یک ابرقدرت بود و این نقطه مشترک همه بود و در واقع تا ۶۰-۷۰ درصد عمر مبارزات، این نقطه مشترک وجود داشت. بعد از انحلال شوروی سابق، در واقع این دشمن مشترک و این نقطه مشترک، جایش را به اهداف نسبتاً پراکنده داد. در جنگ جهانی که تعداد زیادی از کشورها درگیر بودند، جنگی بود بین کشورها و دولت‌ها و با امکانات مشابه که هر کدام داشتند. برخلاف این جادگیری یک ملتی بود که از نظر امکانات چیزی نداشت و طرف مقابل یک کشور کاملاً مجهز بود.

● خط سوم: آقای دکتر، ببخشید، هدف ما در واقع مقایسه بین این دو پدیده نیست. هدف این است که در آن جا، نیروهایی که باقی ماندند، این آمادگی را به لحاظ سیاسی و ایدیولوژیکی داشتند که اعتماد بین‌الملل را جلب بکنند و بعداً هم شاهد بودیم که در طرح مارشال کمک‌های هنگفتی به اروپا شد و اقتصاد اروپا از این لحاظ ساخته شد. ما می‌خواهیم به این نکته برسیم که تجربه اداره موقت با این تنوع و گوناگونی که عرض کردم، از این لحاظ چیست، یعنی اداره موقت چقدر به دنبال جلب اعتماد جهانی بوده یا چقدر در همکاری با جامعه جهانی موفقیت داشته است؟

○ دکتر معصومی: مشکل همین است که می‌خواستم عرض کنم، مقدمه‌ام برای همین بود که قیاس ما با آن‌ها یک قیاس مع الفارق است، برای چه؟ برای این که مادر وسط کار دچار یک وضع جدید شدیم و این وضع جدید ناشی از فروپاشی شوروی بود و آن نقطه مشترک از بین رفت. بعد نیروهای مختلف به وجود آمدند، دارای اهداف مختلف و گرفتاری ما در آخر جنگ متعدد بود، نه یکی. در جنگ جهانی همه یک هدف داشتند و آن شکست دشمن بود. وقتی دشمن شکست خورد، همه به هدف رسیدند. ما وضعمان فرق می‌کند، ما در عین خالی که یک دشمن مشترک داشتیم، از نیمه‌های راه به این طرف، دچار تعدد در اهداف

شدیم. مشکلی هم پیش آمد و آن این که خود ما به نیروهای مختلف تقسیم شدیم و خارجی‌ها هم در این قسمت سهم بسزایی داشتند.

● خط سوم: منشأ این تعدد و تقسیم‌بندی چه بود که اعتماد بین‌المللی را به همراه نداشت؟

○ دکتر معصومی: منشأ تعدد و تقسیم‌بندی‌ها، عمدتاً زمینه داخلی بود. یک فرهنگ بالا، یک معنویت و یک دانش و یک فرهنگ مشترک مانع می‌شود که این همه تعدد به وجود بیاید. به هر حال نحوه زندگی و فرهنگ عشایری، عقده‌های سابق، دخالت خارجی، همه این‌ها با هم، دخالت کرد و زمینه‌ای به وجود آورد که ما در سال‌های اخیر، قبل از این که خارج شویم، به خود مشغول شویم. یعنی مشکلات داخلی ما به حدی بود که سرانجام دنیا متوجه آن شد. برای این که این وضع را توجیه بکنیم، باید به علل زیادی توجه کنیم. یکی از عللش این است که در افغانستان از اول اقوام و زبان‌های گوناگون بوده و بعد این درگیری‌ها در طول سالیان وجود داشته. حکومت معمولاً برای چند صد سال دست یک قوم بوده و این‌ها همه نتایجی داشته. از نظر مذهبی و زبانی هم وضع این‌طور بوده. یک زبان تقویت می‌شده، یک زبان تقویت نمی‌شده، برای یک زبان کلاس‌های اجباری بوده، برای یکی نبوده. این‌ها بالاخره اثر دارد و ایجاد عقده می‌کند. بنابراین وضع ما در اخیر، یک وضع جدیدی شد و جهان متوجه شد که اگر به نحوی برای افغانستان راه حلی پیدا نشود، برای کل جهان مشکل ساز خواهد شد. وقتی در کشوری آناشیزم و بی‌نظمی باشد، زمینه برای رشد گروه‌های ناهنجار و آسیب‌رسان فراهم می‌شود. بنده همین را می‌خواستم عرض کنم.

اداره موقت در این مدت شش ماهه، البته مشکلاتی هم داشته، ما از اداره موقت به عنوان یک حکومت مطلوب و حداکثر مطلوب یاد نمی‌کنیم. به عنوان حکومتی که دارای حداقل لزوم هست. یعنی انتظار از حکومت موقت برقراری امنیت و آرامش بود که این هدف بسیار مهمی هم هست. اداره موقت زمینه‌ای برای تفاهم و زمینه‌ای برای جمع شدن مردم، خلع سلاح و مشارکت عموم در دولت بود که این‌ها اهداف موقتی و اهداف شماره یک هستند. بعد نوبت می‌رسد به یک نظام مطلوب. بنابراین با توجه به مشکلات داخلی و خارجی که دولت موقت داشته که مشکلات خارجی اش کمتر از مشکلات داخلی اش نبوده، انتظار زیادی نداشتیم و اگر خواسته باشیم نمره بدهیم، می‌شود گفت: یک نمره متوسط شاید بگیرد.

● خط سوم: آقای باقری، شما صحبتی دارید؟ بفرمایید.  
○ باقری: در زمینه عوامل تشکی که جناب آقای دکتر توضیح دادند،

**باقری: قانون اساسی ۱۳۴۳ به طور نسبی در میان قوانین اساسی دوره‌های مختلف افغانستان کم‌عیب‌ترین است. اکثر قوانینی که در دوره‌های بعدی تصویب و توشیح شده‌اند، در خود تناقض دارند و برخی از آن‌ها به مرامنامه‌های حزبی بیشتر شبیهند تا قانون اساسی.**



قبول است که واقعاً عوامل مختلف داخلی و بین‌المللی در کار بوده که در طول ۲۰ سال گذشته، این شرایط به وجود آمد که دسته‌ها و گروه‌های متعددی بوجود بیاید و این‌ها در مقابل یکدیگر قرار بگیرد.

● خط سوم: جناب آقای باقری، ببخشید. ما درباره مسایل داخلی باز هم خدمت شما هستیم. شما اگر درباره همین سؤال مطلبی دارید بفرمایید.

○ باقری: می‌خواستم یک نکته عرض کنم که عامل تششت الان هم بزرگترین مانع در راه ایجاد ثبات ملی و شکل گرفتن دولت مقتدر هست. من فکر می‌کنم که مهم‌ترین عاملی که به خصوص در حدود ده سال اخیر مطرح بوده، این مسأله بوده که بعضی از شخصیت‌ها با توجه به همین شرایط بحرانی حدود یک ربع قرن گذشته عناصری شدند که بقای خود را واقعاً در نظامی گری می‌دیدند. به همین دلیل این‌ها به آسانی حاضر نمی‌شوند که به یک ائتلاف بزرگ سراسری بپیوندند که در آن جا احتمالاً منافع شخصی‌شان را از دست می‌دهند.

● خط سوم: جناب آقای قدسی! شما مدت مدیدی در داخل کشور بودید و از نزدیک مسایل کشور را تجربه کردید. هم ظاهراً قبل از واقعه سپتامبر و هم بعد از آن که خبر داریم، مدت‌ها تشریف داشتید. قبل از تحولات اخیر شاهد جناح‌بندی‌هایی بودیم که چشم‌انداز آینده را خیلی مبهم می‌کرد و امیدی نبود که این‌ها با همدیگر جمع شوند و به توافقاتی اساسی برسند که به لحاظ ملی و بین‌المللی به نفع کشور باشد. شما که از نزدیک شاهد بودید تجربه اداره موقت را در جمع کردن نیروها چطور می‌بینید؟ آیا احساس می‌شود که این جناح‌بندی‌ها به نحوی سازنده‌تر شده باشد و آن وضعیت مخرب گذشته را رها کرده باشند؟

○ قدسی: عرض کنم که شکی نیست که مجموعه‌های مختلف سیاسی که در یک برهه از زمان در اصطکاک و درگیری با همدیگر به سر می‌بردند و چه بسا که حیاتشان را در گرو تضادهای سیاسی می‌دیدند، این‌ها همه امروز قبول دارند که در محدوده زمانی کار اداره موقت، تنش‌های حاد سیاسی و نظامی که داشتند، تبدیل به تضارب آراء و افکار شده و در خدمت پیشبرد اهدافی قرار گرفته است که در اداره موقت پیگیری می‌شد. اما من فکر می‌کنم حرکت به سوی هماهنگی، خاص محدود زمانی حکومت آقای کرزی نیست، بلکه قبل از آن، مخصوصاً از اوایل سال ۸۰ و اواخر سال ۷۹، این حرکت آغاز شده بود.

● خط سوم: این درست است، اما در عمل چنین چیزی وجود نداشته است. هم در ماجرای مذاکرات بن و هم بعد از آن مشاهده کردیم که همین نیروها یعنی اتحاد شمال با هم اختلافات عمیقی داشتند.

○ قدسی: عرض کنم که مسأله نسبی است. این حرکت از زمانی آغاز شد که من خود شاهد بودم. عناصری که سال‌ها نتوانسته بودند به همدیگر اعتماد کنند، قبل از سقوط طالبان نتوانستند هماهنگی را ایجاد بکنند. حتی یک سال قبلش، جناب آقای خلیلی، اسماعیل خان و جنرال دوستم با هم هماهنگ شده بودند. در اداره موقت هم هماهنگی‌هایی که صورت گرفت، بر مبنای گذشته بود. البته این بدان معنی نیست که این نیروها قبل از آن کلیه مسایلمان را حل کرده بودند. تا می‌رسد به لویه جرگه‌ای که دایر شد و من فکر می‌کنم که در هیچ برهه از زمان، بین اعضای جبهه متحد، این اندازه هماهنگی وجود نداشته که در این مقطع وجود داشته است. من فکر می‌کنم که یک حرکت تدریجی بوده که به این جا منتهی شده است. بنابراین برداشت من این است که در تشکیل اداره موقت که در رأس آن آقای کرزی قرار داشته و اکثریت قاطع اعضای

اصلی کابینه کرزی مجاهدین و عناصر جهادی بوده. این‌ها در مدت حکومت شش ماهه آقای کرزی، توانسته‌اند بسیاری از مسایلمان را حل بکنند.

● خط سوم: شما به مجاهدین اشاره کردید. گفتید که گروه‌های مجاهدین از قبل با هم هماهنگ شده بودند و این هماهنگی ادامه پیدا کرد. حالا رابطه جناح رم را با ائتلاف شمال چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ قدسی: جناح روم از لحاظ فکری، سیاسی و اعتقادی و از هر لحاظ دیگر با مجاهدین همسویی نداشته است و سعی جامعه بین‌المللی بر این بوده که در اجلاس بن ترکیبی را به وجود بیاورد که تمام مجموعه‌های سیاسی در آن مشارکت داشته باشند و جایگاهی در خور شأن خود احساس بکنند. از جمله مجموعه رم را در نظر گرفتند و کابینه شش ماهه ترکیبی بود که از لحاظ فکری و سلیقه‌ای تنوع زیادی داشت. در این مدت رقابت‌های تنگاتنگ سیاسی بین این مجموعه‌ها وجود داشته است و آنچه در این میان جالب است این است که این‌ها به یک اصل مشترک اتفاق نظر داشتند و آن این که کل رقابت‌ها باید با زبان دیپلماسی و ادبیات سیاسی مطرح شود نه با زبان اسلحه و تفنگ و شاید یکی از عمده عواملی که تأثیرگذار بوده بر همسویی بین جناح‌های متفاوت جبهه متحد، حضور مؤثر جناح رم و در رأس آن ظاهرشاه بود و این امر باعث شده که اعضای جبهه متحد خود را در برابر یک جناح نیرومند مشاهده کنند و ناگزیر برای دفاع از موقعیت خود هماهنگی بیشتری با هم نشان دهند.

● خط سوم: جناب آقای باقری! می‌دانیم قانون اساسی‌ای که معیار کار اداره موقت قرار گرفت، قانون اساسی ۱۹۶۴ یا ۱۳۴۳ است. بفرمایید که این قانون اساسی، در بین همه قوانین اساسی دیگر، امتیاز خاصی دارد؟

○ باقری: قانون اساسی ۱۳۴۳ به طور نسبی در میان قوانین اساسی دوره‌های مختلف افغانستان کم‌عیب‌ترین است. اکثر قوانینی که در دوره‌های بعدی تصویب و توشیح شده‌اند، در خود تناقض دارند و برخی از آن‌ها به مرامنامه‌های حزبی بیشتر شبیهند تا قانون اساسی. تهیه‌کنندگان پیش‌نویس این قانون همچون سید شمس‌الدین مجروح، سید قاسم رشیا، میر محمد صدیق فرهنگ و... که از روشنفکران برجسته کشور بودند با استفاده از فضای اصلاح‌طلبی دهه چهل و انعطاف قابل توجه شاه، بخش عمده‌ای از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را وارد این قانون اساسی کردند. اصول برجسته‌ای که در این قانون درج شده و از امتیازات آن به حساب می‌آیند، عبارتند از: پذیرش اصل حاکمیت ملی، تضمین نظام سیاسی مبتنی بر اصل تفکیک قوا، پیش‌بینی تشکیل پارلمان ملی، شوراهای ولایات (ولایت جرگه‌ها) و شوراهای شورایی بر اساس انتخابات آزاد، عمومی و مستقیم، ایجاد تغییر ماهوی در لویه جرگه سنتی افغانستان و تثبیت اصل برابری شهروندان...

البته برخی از این اصول در قوانین بعدی نیز حفظ شده اما نوعاً با ماده یا مواد دیگری از همان قانون نقض شده است. مثلاً قانون اساسی مصوب ۱۳۵۹ مملو از شعارهایی از قبیل حاکمیت ملی، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم و... است. اما بر اساس ماده چهار آن، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حافظ اراده و منافع «تمام خلق‌های ساکن وطن» معرفی می‌شود. یا در قانون اساسی مصوب ۱۳۷۲، بسیاری از اصول قانون اساسی ۲۳، از جمله حق تعیین سرنوشت برای





مردم کنجاندک شده است، اما در موارد دیگر آزادی شهروندان به طور کلی و مهم، مشروط می شود به این که «به آزادی و کرامت دیگران، منفعت و امنیت عامه، مصالح ملی و اصول و مقررات اسلامی لطمه ای وارد نکنند» و تقویرا به طور عام و بدون تفسیر خاصی، اولین شرط اهلیت در تصدی مسؤولیت های اداری و دولتی می داند و افرادی را که تقویر اخلاقی شان اثبات نشده است، مطلقاً از حق مشارکت در اداره امور کشور محروم می کند.

● خط سوم: هیچ جنبه سیاسی انتخاب این قانون اساسی در کار نبوده است؟

○ باقری: البته شکی نیست که جنبه های سیاسی هم در کار بوده است. بعضی از کشورها و همین طور جناح ر م تلاششان بر این بود که نظام سلطنتی را به نحوی احیا کنند و در این جا نقش خود ظاهر شاه هم مطرح بود، چون در تدوین این قانون اساسی بعضی از عناصری دخیل بودند که الان بخشی از حلقه اطرافیان ظاهر شاه هستند. این ها مایل بودند تا قانون اساسی مورد نظر آنان مورد عمل قرار گیرد، ولی من با توجه به مطالعه اجمالی ای که در مجموعه قوانین موجود داشته ام، انصافاً خودم به این نتیجه رسیدم که اگر بین این قانون و قوانینی که بعد از این تصویب

## قدسی: هرکس می توانست دیدگاه های خود را آزادانه بیان بکند. بعضی از رادیوها گاهی جو سازی کردند گویا در فضای داخل لویه جرگه فشارهایی از طرف قوماندان ها وجود دارد.



می کرد. وضعیت جاهای دیگر بسیار شبیه به وضعیت دوران طالبان بود. در بسیاری جای ها با علمای مذهبی ای برمی خوردیم که از سوی احزاب گماشته شده بودند. بعد که رفتم با وزیر یعنی دکتر فایض صحبت کردیم، اولین سؤال من این بود که شما در این مدت بیست روز، یک ماه که آمده اید، چه کار کرده اید؟ وزیر خیلی راحت به من گفت که ما کاری نمی توانیم بکنیم. دانشگاه در دست تنظیم است و تنظیم هم قدرت دارد و به آسانی از آن خارج نمی شود. به هر حال با انتصاب دکتر شریف فایض، فعالیت هایی شروع شده بود و از جمله ویژگی شخص وزیر این بود که به نظم و انضباط و قانون گرایی واقعا معتقد بود. تنها وزارتخانه ای که رعایت نظم و مقررات در آن تا حدودی شروع شده بود، وزارت تحصیلات عالی بود. اقداماتی که دکتر فایض شروع کرده بود مخصوصاً در قسمت نظم و انضباط و تا حدی هم شایسته سالاری بود و همچنین اندک اندک شروع کرده بود به برقراری روابط با کشورهای خارجی، چنان که مسافرتی به امریکا داشت و نیز با کشورهای همسایه، مثل ایران ارتباط برقرار کرده بود. این فعالیت ها توفیقات نسبی را نوید می داد. البته من از آن به بعد اطلاعی ندارم که چه قدر به آن برنامه ها و اهدافشان

رسیدند. شده است و همین طور قوانینی که قبل از آن تصویب شده بود مقایسه کنیم، این قانون اساسی برتری دارد.

● خط سوم: غیر از تحصیلات عالی و دانشگاه حرکت های فرهنگی دیگری از قبیل نشریات و غیره را چگونه دیدید؟

○ غلامی: در زمینه تحصیلات عالی چند نکته باقی مانده است. مثلاً اکادمی علوم افغانستان با بخش های مختلفش فعالیت هایی را شروع کرده بود. برخی از فعالیت های جانبی دیگر نیز آغاز شده بود. مثلاً پرفسور صدیق افغان یک شخصیت مشهور است. بر اساس همان شخصیت و شهرتش اتاقی در خود ارگ گرفته بود و در حال سازماندهی یک آکادمی علوم دیگر، یک سازمان علمی پژوهشی مخصوص به خودش بود و بنده هم در صحبتی که با او داشتم، می گفت در زمان آقای ربانی هم تشکیلات خود را داشتیم و الان هم سعی می کنم امور تحصیل کردگان و متخصصین را بگیرم. اما در زمینه مطبوعات و فضای فرهنگی دیگر تحرکات زیاد بود به این جهت که قانون جدید مطبوعات فضای بازی ایجاد کرده بود. به جرأت می توان گفت که در کل فضای مطبوعاتی موجود در افغانستان در تمام منطقه بی نظیر است. منتها دو مشکل وجود دارد، یکی مشکل کار مطبوعاتی که نیاز به سرمایه دارد که فراهم کردن آن بسیار مشکل است. بنابراین تنها راهش توسل به مؤسسات خارجی

● خط سوم: آقای غلامی! شما سفری به داخل کشور داشتید.

ظاهراً مصاحبه هایی هم با بعضی از افراد مثل وزیر تحصیلات عالی داشتید. ارزیابی تان از برنامه اداره موقت در زمینه های علمی و فرهنگی چیست؟

○ غلامی: البته در این زمینه یک ارزیابی جامع دشوار است. زمانی که بنده مسافرت داشتم، اداره موقت در اوایل کار بود و مشکلات بسیار زیادی داشت، ولی با همه این حرف ها بنده از بخش های مختلفی، به خصوص آن هایی که مورد نظر شماست، مثل اداره تحصیلات عالی و دانشگاه ها بازدید کردم و از نزدیک مشاهده کردیم که قوام چندانی صورت نگرفته است. مشکلات بسیار بود. مثلاً بازدید داشتیم از دانشگاه کابل. آن زمان دانشگاه کابل سرپرستی داشت که منسوب به حزب خاصی بود. در واقع دانشگاه کابل در دست در اختیار آن حزب بود. بنده وقتی با آن شخص وارد صحبت شدیم و از تاریخچه و مشکلات دانشگاه پرسیدم، دیدم اصلاً چیزی درباره دانشگاه و وسایل آن نمی داند. دفتردارش را خواست و از او درباره تاریخچه وسایل دانشگاه سؤال



است. مؤسسات خارجی هم بر اساس تجاری که دارند، در شاهرگ‌ها سرمایه‌گذاری جالبی انجام می‌دهند، ولی شرطش این است که نشریه باید دنباله‌رو سیاست آن‌ها باشد.

سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در مطبوعات افغانستان یک جنبه مثبت دارد که کارهای فرهنگی و مطبوعاتی باید از جایی شروع شود، ولی جنبه منفی‌اش هم این است که به هر حال آن‌ها برنامه‌های خودشان را تعقیب می‌کنند و بدین ترتیب سلامت مطبوعات به خطر می‌افتد. مسأله دیگر این است جامعه افغانستان، یعنی مردم عادی، مشکلات عدیده‌ای دارند. هنوز مشکل رفع احتیاجات اولیه بر جای خود باقی است. کارهای فرهنگی در مراحل بعدی است. هنوز آن آمادگی در مردم وجود ندارد که از مطبوعات مستقل حمایت کنند و به مطبوعات اهمیت قابل شوند.

● خط سوم: جناب آقای فصیحی، با توجه به این که می‌دانیم یکی از وظایف اداره موقت شش ماهه و یا مهمترین وظیفه‌اش تدویر لویه جرگه اضطراری بود و این کار را هم البته کرد، ارزیابی جنابعالی از نحوه برگزاری لویه جرگه چیست؟

○ فصیحی: در مجموع با توجه به شرایط بحرانی افغانستان به نظر بنده مجموع عملکرد اداره موقت موفقیت‌آمیز بوده. همین که گروه‌های متخاصم را دور هم جمع کرده، همین که توانسته است در شهر کابل مجموعه احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌ها را در کنار هم گرد بیاورد، گامی مثبت است. در گذشته نیروهای جهادی حتی نمی‌توانستند کنار یکدیگر بنشینند. از جمله کارهایی که اداره موقت انجام داد و مربوط به سؤال شماست، برگزاری لویه جرگه اضطراری بود. اولاً در انتخاب ۲۱ نفر، ابتکار خوبی به خرج داده شد و نیز تدویر لویه جرگه در موعد مقرر از جمله نقاط مثبت کار این کمیسیون بود. البته کاستیهایی هم داشته، مثلاً این که نامش انتخابات بوده و تعدادی از افراد و اشخاص تحت عنوان نماینده مهاجرین شرکت کردند، در صورتی که هیچ‌گونه رأی و نظری از مهاجرین گرفته نشد. خوب تعدادی انتسابی بوده و تعدادی انتخابی که انتخابی‌هایش هم در واقع انتسابی بوده. این‌ها نواقص لویه جرگه بوده است. اما در مجموع برگزار شدن سر موعد، انتخاب دولت ۱۸ ماهه و پایان یافتن بدون اغتشاش، موفقیت‌هایی بوده که لویه جرگه داشته است.

● خط سوم: آقای قدسی! شما از نزدیک شاهد بودید و شاید هم در جلسات لویه جرگه شرکت کرده باشید، نظر شما چیست؟

○ قدسی: عرض کنم که بنده، وکیل بودم و جریان لویه جرگه را به صورت دقیق پیگیری می‌کردم و فکر می‌کنم در تاریخ لویه جرگه‌های افغانستان، این موفق‌ترین و مؤثرترین بوده، زیرا تمام اعضای انتخابی لویه جرگه، واقعا انتخابی بوده است. آنچه جناب آقای فصیحی اشاره فرمودند که حتی انتخابی‌هایش هم انتسابی بوده، به نظر من درست نیست.

● خط سوم: ببینید آقای قدسی، شنیده می‌شد که اعمال فشار شده مخصوصاً در اطراف، قوماندان‌ها و نیروهای مسلح از زور و اسلحه استفاده کرده‌اند و هم چنین گزارش‌هایی می‌رسید که گویا برخی رشوه‌خواری‌ها و توزیع پول برای خرید رأی صورت گرفته است. همه این‌ها گزارش‌هایی دروغ و شایعه بوده است؟

○ قدسی: ممکن است موارد استثنایی پیش آمده باشد، ولی حقیقت این است که روند، همان روند انتخاب مردم بود. در هر ناحیه‌ای که انتخابات صورت می‌گرفت، شصت نفر توسط مردم انتخاب می‌شد. از بین آن شصت نفر، همان تعدادی که باید به لویه جرگه راه پیدا

می‌کردند، توسط آن ۶۰ نفر انتخاب می‌شدند. ممکن است چنین مواردی هم پیش آمده باشد، ما خیلی جاها شاهد روشن داریم که چنین چیزی نبوده، به عنوان مثال از شهر هرات، ۱۲ نفر نماینده در لویه جرگه شرکت کرده بودند. از مجموع ۱۲ نفر نماینده، ۸ نفر از مردم شیعه و ۴ نفر از مردم سنی بود. این امر بیانگر این است که چنین اعمال فشاری وجود نداشته، در حالی که بیشترین اتهام متوجه حوزه جنوب غرب بوده. اما مسأله رشوه، باز هم در مواردی ممکن است این کار صورت گرفته باشد. ولی یک پدیده شایع نبوده است.

نکته بارز و برجسته دیگری که در این لویه جرگه وجود داشت این بود که هر کس می‌توانست دیدگاه‌های خود را آزادانه بیان بکند. بعضی از رادیوها گاهی جوسازی کردند گویا در فضای داخل لویه جرگه فشارهایی از طرف قوماندان‌ها وجود دارد. مادر آن جا بودیم و می‌دیدیم که کوچکترین فشاری وجود ندارد.

● خط سوم: بعضی از خانم‌ها به ویژه شکایت داشتند که بعضی از افراد ذی‌نفوذ و قوماندان‌ها گویا آن‌ها را در جلسات تهدید می‌کنند و اصطلاحاً به آن‌ها گفته می‌شده که اگر شما بیرون بیایید ما به حساب شما می‌رسیم. درباره این گزارش‌ها چه می‌گویید؟

○ قدسی: هیچ موردی ثابت نشده. حتی خود جناب کرزی هم از پشت تریبون اعلام کردند که اگر چنین موردی پیش آمده باشد، بیاید به ما بگوید. من این قضیه را پیگیری می‌کنم و اگر پیگیری نتوانستم، حاضریم استعفا بدهم. هیچ شکایتی صورت نگرفت. اصلاً جو، چنین جوی نبود، چون هر کسی هر حرفی را که می‌خواست می‌زد. علیه رهبر، قوماندان و علیه مجاهد حرف زدند، یعنی علیه همه صحبت شد. فقط در یک مورد خانمی شکایت برده بود پیش آقای کرزی که فلان خانم مرا تهدید به مرگ کرد. بعد که او را خواسته بود، گفته بود: «جناب رئیس من هم یک خانم هستم. نه توپ دارم و نه تانک دارم. بر فرض تهدید کرده باشم، تهدید من چه تهدیدی است؟»

● خط سوم: البته آن خانمی که خودش توپ و تانک ندارد، می‌توانست حامیانی دارای توپ و تانک داشته باشد.

○ قدسی: نه، او کاره‌ای نبود. نه مسؤول بود، نه رئیس بود، نه عضو حزب بود، فقط رأی آورده بود.

● خط سوم: آقای فصیحی! شما صحبتی داشتید؟

○ فصیحی: بله، خدمت شما عرض کنم. چون آقای قدسی فرمودند که نمایندگان صد در صد انتخابی بوده‌اند، من اولاً از خود حضرت ایشان سؤال می‌کنم که انتخابات یعنی چه؟ حدود ۱۳ نفر را از مشهد تحت عنوان وکلای مهاجرین شرکت کردند. مجموعه نخبگانی که این جا جمع هستند، هیچ کدام به عنوان وکیل انتخاب نشدند. کسانی که شرکت کردند، از نخبگان مهاجرین بودند؟ ایشان فرمودند که صد در صد انتخابی بوده، به نظر من خیلی مبالغه است.

○ قدسی: اجازه بدهید که من نکته کوچکی را در این جا توضیح بدهم. درباره نمایندگان مهاجر و روشنفکران، خود هیأت اعلام کرده بود که این‌ها انتسابی هستند.

○ فصیحی: آیا شرکت کنندگان، نمایندگان مهاجرین بودند؟

● خط سوم: به‌رحال طبق تصعیم قبلی کمیسیون شرکت آن‌ها قانونی بوده.

○ باقری: این که می‌گوییم انتخابات واقعا یک مقدار مبهم است. ما از انتخابات این را می‌فهمیم که کسانی که واجد شرایط رأی دادن هستند،



**فصیحی: اگر ما به هر حرکت خلاف ملی پسوند اسلامی  
بزنییم، به نظر من این ظلم به اسلام است. به نظر من  
اسلام با تمدن و پیشرفت و دنیای خارج از خود مخالف  
نیست. اسلام دین صلح است، دین امنیت است.  
بنابراین ما هم می توانیم از ارزش های دینی پیروی کنیم  
و هم با تمدن بشری گام به گام پیش برویم.**



کرده باشند و یا رعایت شده باشد، ما می توانیم بگوییم که تا حدودی مطلوب بوده. خوب آقای غلامی شما صحبتی داشتید.

○ غلامی: من دو سه نکته درباره لویه جرگه عرض کنم. در مورد لویه جرگه این نکته اساسی فراموش می شود که ما سطح توقع مان را از لویه جرگه بیاوریم پایین. اکثر جامعه ما و حتی نخبگان ما، توقع و شناخت شان از لویه جرگه چیزی واقع بینانه نیست. خیلی ها این را اشتباه می گیرند با مجلس شورا و مجلس مؤسسان یا خیلی جاها و توقعاتی از این دست دارند. خدمتان عرض کنم که لویه جرگه را خالی از اشکال نمی بینم. منتها سیستم انتخابی که این هیأت ۲۱ نفره ارائه داد و بر اساس آن اعضای لویه جرگه را انتخاب کردند، من از آن دفاع می کنم. این سیستم حتی از انتخاب مستقیم نتیجه بهتری می دهد و داده است، منتها مشکل در جای دیگری بود.

● خط سوم: در هر شرایطی نتیجه بهتری می دهد و یا در این شرایطی که ما قرار داریم؟

○ غلامی: نه، در شرایط فعلی، این واضح هست. در شرایط فعلی افغانستان، در شرایط اضطراری، رئیس کمیسیون تدویر لویه جرگه جناب قاسمیار می فرمودند که ما اعتراف می کنیم که این سیستمی که ما داریم، سیستم صددرصد دموکراتیک نیست. در این وضع افغانستان ما باید سعی کنیم که کشور از حالت جنگ و عدم مشروعیت به یک مشروعیت برسد. منتها دو مشکل وجود داشت. یکی مشکل فشارهای عظیمی بود که بر هیأت ۲۱ نفره وارد می شد. واقعا فشارها بسیار طاقت فرسا بود. این حضرات به زعم من واقعا برگزیدگان و بهترین های افغانستان بودند. این ها واقعا فشارهای عظیمه ای مواجه بودند، از طرف همه جناح ها و همه قدرت های داخلی و خارجی. بنابراین این ها بسیار مقاومت کردند، ولی در بعضی جاها نتوانستند، از جمله اضافه شدن یکصد نفر در آخر. مشکل دیگر در نحوه اداره خود لویه جرگه بود. بر اساس اطلاعاتی که من دارم، آقای قاسمیار شخصیت علمی شناخته شده ای اند، ولی مدیریت بسیار ضعیفی ارائه دادند. شاید باز هم بر اساس آن فشارها، هیأت رئیس و معاونین و منشی ها و نمایندگان را به خوبی نتوانستند انجام دهند. بنابراین نتوانستند بسیاری از قسمت ها و بسیاری از دستورالعمل ها را رسماً اجرا کنند. نکته دیگر در قسمت مهاجرین به خصوص در ایران است. من الان آن لیست سی و چند نفره را دارم. اکثریت آن ها را هم می شناسم و در جریان فرایند انتخاب این سی نفر هم بودم. هیأت به خاطر سی نفری که می خواست انتخاب کند، من حدس می زنم که اسامی حدود سه هزار نفر را با خودشان به کابل بردند. ما خودمان که در اتحادیه

به افرادی که کاندیدا شده اند، رأی بدهند. ولی سیستمی که در داخل اعمال شد و مدعی است که انتخاباتی بوده، دقیقاً این سیستم نبوده، یعنی تعداد کثیری از مردم هر محلی می آمدند و ۶۰ نفر را انتخاب می کردند. مراجعه به آرای مردم نبوده، بنابراین نمی شود گفت که انتخابات بوده است.

○ قدسی: آنچه خیلی مهم است، این است که چنین نبوده که یک عده ای، بر اساس، سفارش ها و توصیه و قدرت و اعمال نفوذی از مرکز، از حاکمیت وارد لویه جرگه شوند.

● خط سوم: آقای دکتر! شما صحبتی دارید؟

○ دکتر معصومی: به هر حال نتیجه ای که ما می گیریم این است که لویه جرگه به عنوان یک راه حل اجباری و اضطراری در شرایط ویژه، تشکیل شد ولی یک راه حل مطلوب نیست، برای این که نه انتخابی بوده و نه بر مبنای شایستگی، هیچ کدام نبوده. اگر لویه جرگه یک چیز خوب، دنیاپسند و یا مسلمان پسند می بود، این گسترش پیدا می کرد در دنیا. تا جایی که ما اطلاع داریم، لویه جرگه مخصوص افغانستان است و در گذشته هم لویه جرگه ها اهداف طبقات بالا را تحمیل می کرده اند. به عنوان راهی که به هر حال در یک شرایط بسیار اضطراری مطرح است، حرفی نداریم ولی اگر در آینده هم روی لویه جرگه به این سبک تکیه شود اصلاً صلاح نیست. به همین دلیل، بنده به سهم خودم به عنوان یک فرد، طرفدار این نظر هستم که لویه جرگه، به شکل فعلی اش کارایی ندارد. یا باید تکامل پیدا بکند و به شکل انتخابی و معقولش برسد و یا این که یک مجلس منتخب با رأی مردم به وجود بیاید.

● خط سوم: می دانیم که عنوان لویه جرگه، لویه جرگه اضطراری بود و در شرایطی برگزار شد که هنوز هم گروه های مسلح در اطراف و اکناف کشور موجود بودند و هنوز هم جناح بندی ها به همان شکل سابق وجود داشت. در این شرایط، مردم چگونه بیایند رأی شان را بریزند؟ منتها می توانیم بگوییم که بحث دو سطح دارد. همان طوری که حضرات فرمودند یکی این است که فی المثل ما به نحو قانونی می پذیریم، یعنی همان کمیسیون چند نفره ای که تشکیل شده برای خودشان این را قانون قلمداد می کنند که ما این مقدار نماینده را انتخابی برگزینیم و این مقدار را انتسابی و از این قانون تخطی نکنیم. یک بحث این است اگر این به نحو مطلوبی انجام شده باشد، ما می گوییم تا حدودی کار قانونی بوده است. حالا می توانیم اعتراض کنیم که چرا چنین قانونی وجود دارد، چرا انتخاب نماینده انتسابی است. ولی اگر آن ها همان قانون را رعایت



دانشگاهیان هستیم از اتحادیه، چهل نفر کاندید کردیم. از بین این چهل نفر، دو نفر از دوستان ما انتخاب شدند که هیچ‌گونه ویژگی حزبی نداشتند و رابطه شخصی هم با اعضای کمیسیون نداشتند. دوستان به خصوص جناب آقای فصیحی گفتند چند نفر بر اساس شایسته‌سالاری انتخاب شدند، من می‌گویم حداقل این دو نفر که من از نزدیک می‌شناسم کاملاً بر اساس شایسته‌سالاری و بر اساس آن دستورالعمل بوده و سایر افراد هم، افرادی، به نظر من تا حدودی موجه بودند.

● خط سوم: آقای فصیحی! یکی از اعتراضاتی که در تعیین لویه جرگه می‌شود، این است که لویه جرگه فاقد اجندا، موضوع کاری و دستورالعمل کاری بوده و وقت نمایندگان بیهوده تلف می‌شده است. در این زمینه اگر شما لطف بکنید توضیح دهید.

○ فصیحی: ابتدا درباره صحبت آقای غلامی توضیح کوتاهی بدهم و آن این که منظور بنده این نبود که دو نفر از دوستان ایشان که معرفی شده‌اند شایسته نبوده‌اند. عرضم این بود که آیا در مجموعه مهاجرین این سی نفری که رفته‌اند یعنی واقعاً همین‌ها، نخبه مجموعه مهاجرین بوده‌اند؟ عرضم این بوده، نه این که خدای ناخواسته این افراد، افراد شایسته‌ای نبوده‌اند. اما در ارتباط با اجندا عرض کنم که گاهی هیأت رئیسه جوسازی می‌شد. مثل این که آقای بلند شد و گفت: باید رئیس جلسه دو تازیان بلد باشد که بعدها واقعاً به طنز شباهت داشت که رئیس جلسه گاهی یک کلمه پشتو هم می‌گفت.

در شرایط بحرانی که اولین جلسه، بعد از آن قتل عام‌هایی که در افغانستان صورت گرفته بود برگزار می‌شد، اداره کردن چنین جلسه‌ای با توجه به آن جو قبلی و شرایط موجود در خود جلسه، به تعبیر برادرها که فشارهای داخلی و خارجی هم حاکم بوده، به نظر من یک شاهکار بوده است.

● خط سوم: آقای باقری! شما صحبتی دارید؟ بفرمایید.

○ باقری: به نظر من اجندهای جلسه مشخص بود، یعنی طبق توافق بن، سه محور مشخص تعیین شده بود که بالاخره لویه جرگه به آن رسیدگی کرد. یکی مسأله تعیین رئیس دولت بود. دوم مسأله تعیین اعضای برجسته دولت بود. سوم مسأله تعیین نوع نظام بود. این سه محور طبق توافق نامه بن وظیفه اصلی لویه جرگه بود و اتفاقاً با همه فراز و نشیب‌ها و همه مشکلاتی که در لویه جرگه پیش آمد، به این سه تا وظیفه عمل شد. ولی من فکر می‌کنم که یک مقدار تلاش‌های دیگری صورت گرفت که از این فضای به وجود آمده استفاده سیاسی صورت گیرد. یکی از مسائلی که به صورت غیرقانونی به نظر من برخلاف توافقنامه بن مطرح شد، پیشنهادی بود که از طرف جناب کرزی مطرح شد. ایشان پیشنهاد کردند که از بین همین هزار و پانصد نفری که در این جا آمده، باید تعدادی بر اساس آرای همین افراد انتخاب شوند و ملی جرگه را تشکیل دهند.

● خط سوم: ولی این پیشنهاد عملی نشد.

○ باقری: هنوز هم پیگیرش هستند. من فکر می‌کنم که این پیشنهاد اولاً خلاف توافقنامه بن بود. ثانیاً به لحاظ حقوقی هم یک مبنای مشخص منطقی ندارد، به دلیل این که بر اساس قانون اساسی ای که بعداً تدوین می‌شود و به تصویب لویه جرگه ملی می‌رسد، بر اساس آن قانون اساسی ما می‌توانیم مجلس داشته باشیم و در شرایط فعلی اگر هم چیزی به نام مجلس تشکیل شود، نه جایگاه قانونی اش مشخص است و نه وظیفه اش. به نظر من به جای این که بیشتر حل مشکل بکند، بحران ایجاد خواهد کرد.

این یکی از چیزهایی بود که اخلاقی در اجنهای جلسه به وجود آورد. اتفاقاً مشکل شد و حتی از دست کرزی هم خارج شد. ایشان در اول می‌خواست یک استفاده‌ای ازش ببرد که حداقل بعضی از افرادی را که بیرون مانده و در دولت سهمی نگرفته‌اند، به این شکل راضی کند یا این که به عنوان یک اهرم ازش استفاده کند.

● خط سوم: درباره‌ی بر وزرا، که تک‌تک رای داده نشد و در واقع به کابینه جمعی رای داده شد هم اعتراضاتی وجود دارد. در این زمینه آقای قدسی، شما اگر فرمایشی دارید.

○ قدسی: اول در ارتباط با مسأله پارلمانی که جناب آقای باقری توضیح دادند، عرض کنم که اتفاقاً قضیه تشکیل پارلمان بسیار جدی بود. در پیش نویس آنچه که کمیسیون ۲۱ نفره هم آماده کرده بود، این اصل آمده بود، متها با یک صلاحیت بسیار کلانی برای پارلمان، یعنی برایش صلاحیتی پیش‌بینی کرده بود که یک مجلس صاحب صلاحیت کشور باشد.

● خط سوم: پیشنهاد از سوی چه کسی یا مرجعی بود؟

○ قدسی: از سوی کمیسیون ۲۱ نفره بود. در واقع، این جناب آقای کرزی بود که جلو تصویب چنین پارلمانی را با آن صلاحیت گرفتند. یعنی قضیه را سعی کردند که به یک نحوی مطرح بکنند که احیاناً یک مجموعه مشورتی تشکیل شود که بیشتر جنبه مشورتی با دولت داشته باشد نه این که بیابند بر تصمیم اساسی و جدی دولت نظارت کند.

○ باقری: این یک مسأله، اما در ارتباط با فرمایش شما، عرض کنم که قبل از این که رای گیری صورت بگیرد، یک سری توافقات در فضای عمومی لویه جرگه به وجود آمده بود. یعنی مثلاً بنده که آن جا به عنوان یک نماینده شرکت کرده بودم و دارای گرایش جهادی بودم، پیشاپیش رای را داده بودم که مثلاً اگر فلان وزیر صاحبی که از مجاهدین هست کاندید شود من صد در صد رای می‌دهم. یک چنین توافق ضمنی بین مجاهدین و غیر مجاهدین صورت گرفته بود.

● خط سوم: چرا همین توافق ضمنی به صورت آشکار رای و تک‌به‌تک ظاهر نشد؟ یعنی چرا به هر فردی از وزرای کلیدی که گفته می‌شد فقط ۴ پست است، به طور انفرادی رای گیری نشد تا انتخاب واقعی‌تر جلوه کند؟ بلکه رای جمعی داده شد.

○ قدسی: بله، جمعی شد. بعد که آقای کرزی مطرح کردند کابینه با اکثریت قاطع آراء هم رای آورد.

● خط سوم: آقای غلامی بفرمایید.

○ غلامی: در واقع خود جناب کرزی این مطلب را مطرح کرد و خودش هم جلوش را گرفت. به قول ایشان می‌خواست یک مجلس مشورتی که همفکر با خودش باشد ایجاد کند. متها بعد در لویه جرگه اتفاقاتی افتاد و مسایل غیر قابل پیش‌بینی رخ داد. این نشان داد که لویه جرگه آن قدرها هم قابل کنترل نیست. اما در این مورد که چرا رای گیری برای تک‌تک وزرا انجام نشد به خصوص در وزرای کلیدی، در مورد تمام کابینه که نه لازم بود و نه شدنی بود. اما در مورد وزرای کلیدی باز چند مشکل عمده وجود داشت، به این صورت که بعضی از وزرای شاخص، من نام نمی‌برم و مشخص هم هست، قطعاً در چنان رای گیری‌ای رای نمی‌آوردند. آن وزرا هم قدرت داشتند. بنابراین کل اداره انتقالی و لویه جرگه را چنانچه رای گیری می‌شد و رای نمی‌آورد با خطر مواجه می‌کرد.

● خط سوم: آقای باقری! یک اعتراضی که عمدتاً به لحاظ قانونی





مطرح می‌شود، پیشنهاد آقای محسنی است در مورد اسلامی بودن دولت موقت. حالا من نمی‌گویم که درست بود یا نادرست بود. طبقاً هر تصمیمی درباره سیستم حکومتی توابع خاص خودش را دارد. شما این پیشنهاد را از لحاظ حقوقی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ باقری: در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم که دادن پسوند اسلامی به دولت عبوری، کدام بار حقوقی خاصی را برای دولت تحمیل نمی‌کند. منتها از نظر افکار عمومی مطلب خیلی مهم است. جناب آقای محسنی و آقای سیاف روی این مسأله تکیه داشتند که با توجه به این که مردم مسلمان هستند باید دولتی که به وجود می‌آید، دارای پسوند اسلامی باشد. ولی از نظر حقوقی عرض کردم بار معنایی خاصی ندارد.

● خط سوم: سؤال این است که خود این پیشنهاد با توجه به این که آقای محسنی نماینده نبود، به لحاظ حقوقی قابل قبول بود یا خیر؟

○ باقری: خود این عمل، یعنی نحوه برخورد با این قضیه، پیشنهاد این پدیده و درخواست قیام مردم، از نظر حقوقی کار دولتی نیست. یعنی چیزی که در لویه جرگه تصویب می‌شد، باید وروال طبیعی خودش را طی می‌کرد. باید پیشنهاد به رئیس داده می‌شد و توسط ایشان مطرح می‌گردید و سپس رأی گیری می‌شد. رأی گیری در مسایل خیلی مهم به صورت مخفی انجام می‌شود و چنان نیست که همه قیام کنند، از لحاظ حقوقی، این عمل خلاف دستور لویه جرگه بود.

○ قدسی: البته در این ارتباط که آقای محسنی نماینده نبود، چرا ایشان نماینده بود.

● خط سوم: ظاهراً ایشان از آن صد نفری بوده که اعتراض می‌شده که این‌ها را خود کمیسیون بدون صلاحیت وارد کرده است.

○ قدسی: نه خیر، ایشان جزء آن صد نفر نبود، بلکه از میان شخصیت‌های صاحب اعتبار آمده بود.

● خط سوم: ایشان نماینده کجا بودند؟

○ قدسی: انتسابی بودند. دیگر در آن جا کسی نمی‌پرسد که کی انتسابی است و کی انتخابی. علاوه بر این اول آقای سیاف مطرح کرد. او نماینده بود و این صحت حقوقی کار را تأیید می‌کند و آقای محسنی در تأیید حرف سیاف طرح کرد.

○ باقری: البته این نکته را اضافه کنم که حتی اگر نماینده انتخابی

مردم هم بود، این نوع پیشنهاد و برخلاف مقررات یک مجلس آن چنانی است و باید وروال قانونی خودش را طی می‌کرد.

● خط سوم: آقای قدسی! باز هم خدمت شما خواهیم بود. درباره لویه جرگه بحث طولانی شد. اکنون بپردازیم به جنبه دیگری. آقای دکتر معصومی! می‌دانیم که اداره موقت از دو ائتلاف مهم، ائتلاف شمال و جناح رم تشکیل شد و نقش کلیدی هم از آن ائتلاف شمال بود، تا جایی که جناح رم هم شکایت داشت که ائتلاف شمال حضور خیلی گسترده دارد و با توجه به تجارب و عقاید و احساسات بنیادگرایانه‌ای که داشته، نمی‌تواند با نیروهای بین‌المللی برای تأمین امنیت کشور همکاری لازم را داشته باشد. نظر شما درباره عملکرد اداره موقت در این زمینه چیست؟ به عبارت دیگر سؤال را این طوری مطرح بکنیم که آیا اسلام به عنوان یک دین جهانی، این پتانسیل را دارد که با اتکا به آن بتوان با نیروهای بین‌المللی همکاری کرد؟

○ دکتر معصومی: مطلب اساسی هم همین است. به نظر حقیر، راجع به لویه جرگه بحث زیادی شد و می‌شد یک قسمت از وقت را به مطالب اساسی تر اختصاص داد که از جمله آن‌ها همین مطلب است. ما از این جا شروع می‌کنیم که اداره موقت و دولتی که الان سر کار هست، باید به یک هویت برسد. اگر به هویت نرسد، به عنوان یک دولت منفعل و دولت دست دوم ناکارآمد خواهد بود. رسیدن به یک هویت، ستون اصلی اش فرهنگ است. وقتی صحبت از فرهنگ می‌شود، در جامعه ما جزء مهم فرهنگ، اگر نگوئیم کلتش، دین است. ما الان بر سر دو راهی هستیم. باید یک چیز جدید ایجاد کنیم، یک ابتکار و در این نهضت جهانی اسلام شریک شویم. موانع و مشکلاتی وجود دارد. ۱۲۰۰ سال مسلمان‌ها غافل بوده و سلطنت‌ها و رژیم‌های فاسد حکومت می‌کرده‌اند. از این هم بگذریم که طالبان نیروهای متحجر بودند و از طرف تعداد زیادی از مسلمان‌ها، مستلر شدند. تعداد زیادی از اعمال مجاهدین و دولت آن‌ها هم مورد تأیید نبوده به این سیستم جدید، ما اگر فکر بکنیم، نیاز به یک ابتکار و یک نواندیشی داریم به فرهنگی که این فرهنگ به ما استقلال بدهد. اگر ما روی این قسمت فرهنگ خود خط بکشیم، می‌شویم جزئی از جوامع معمولی بشری فعلی، برای این که ما اگر این را از خود نداشته باشیم، مجبوریم که روی فرهنگ معاصر، بر



غلامی: یکی از رهبران به من گفت، شایسته سالاری در این جا یعنی پسرخاله وزیر باشی، پسرخاله وکیل باشی. اما یک مقدار هم شایستگان کوتاهی کردند. جامعه روشن فکر ما، جامعه باسواد و تحصیل کرده ما، رسالت واقعی اش را که برود به افغانستان مدت یک سال و دو سال و یا چند سال سختی‌ها را تحمل بکند و وارد کادرهای عمومی شود، چنین چیزی هم وجود ندارد.





مبنای دموکراسی به عنوان مینا بر ستون‌های سکولاریزم، پلورالیزم و لیبرالیزم تکیه کنیم.

● خط سوم: ببخشید، شما اشاره فرمودید به فرهنگ، بعضی‌ها دقیقاً به همین نکته اشاره می‌کنند. امثال جنگ تمدن‌ها را نتیجه می‌گیرند و الان مطرح کرده‌اند که تمدن اسلام با تمدن غرب در حال رویارویی است. از این منظر که نگاه کنیم، آیا واقعاً راه میانه‌ای نیست که این تمدن‌ها با هم بتوانند به جای رویارویی همکاری بکنند؟

○ دکتر معصومی: بالاخره ما مجبور به ابلاغیم، ما مجبور به تبلیغیم، قبل از این که مجبور به جهاد نظامی باشیم. این ابلاغ و تئذیر و تبشیر رسالتی است که از پیامبران به جا مانده و بر دوش نخبگان موحد جامعه است و باید به نحو احسن صورت بگیرد. از دیدگاه اسلامی به طور قطع و یقین، با کل جهان دوستیم. با انسان‌ها به طور اخص دوستیم. با آن‌هایی که با ما از نظر خلقت یکسان هستند هم دوستیم. اگر بتوانیم با آن‌ها احسان بکنیم باید هم احسان بکنیم. با آن‌هایی که با ما هم‌کیش و هم‌عقیده‌اند که برادریم. اما راجع به وضع فعلی، باید یک نوع مبارزه معقول در پیش گرفته شود. وضعی که الان وجود دارد، وضعی است که عرض کردم حداقل مطلوبیت را دارد، نه حداکثر مطلوبیت را و مادر این درگیری که کلید سرنوشت آینده ما خواهد بود، باید نقش بازی کنیم و این نقش ما همین است که روی یک فرهنگ مستقل تکیه کنیم و این فرهنگ مستقل ما مقبوس از وحی است. دسترسی به وحی برای مسیحیان ناممکن است اما برای ما صد در صد ممکن و مقدور است. این است که ما باید به این داری‌هایی که داریم تکیه کنیم و آن‌ها به خاطر ناداری‌هایی که دارند دچار مشکلات می‌شوند. از همین جای یک مبارزه فرهنگی عمیق و جدی شروع می‌شود که در واقع سرنوشت ما با همین مبارزه فرهنگی است.

● خط سوم: آقای قدسی! شما صحبتی دارید بفرمایید.

○ قدسی: در ارتباط با سؤالی که شما فرمودید، در سطح نازل‌تر و عینی‌تر عرض کنم بعد از تشکیل اداره موقت، مجاهدین که در حقیقت بخش عمده‌ای از سمت‌های اداری کشور را در دست داشتند، دچار نوعی معذوریت شدند، یعنی سر دو راهی قرار گرفتند. از یک طرف شرایط جهانی ایجاب می‌کرد و کسانی که در افغانستان دخالت کردند و تروریسم را شکست دادند انتظار داشتند که افغانستان یک افغانستان به تعبیر آنها دموکراسی و یک افغانستان لائیک باشد. افغانستانی که حکومتش تحت تأثیر تفکر دینی نباشد. از سوی دیگر، مجاهدین بر اساس اعتقادات و باورهای دینی شان متعهد بودند در قبال دین و مذهب و ارزش‌های جهاد و این که در افغانستان باید حکومتی مبتنی بر ارزش‌های دینی و باورهای اسلامی برقرار شود. سؤال اصلی این بود که چه کنند که در قبال تعهدات اعتقادی شان پایبند بمانند و طرفداران خود را در سطح جهان راضی نگه دارند. این که متناسب با شرایط جدید، در صدد تشکیل احزاب جدید هستند با تفکرات نوین، تفکراتی که شعارشان این است که اسلام می‌تواند هم در یک جامعه حکومت کند و هم با دیگران رابطه دوستانه برقرار کند. فعلاً مسأله تشکیل نهضت ملی است. ایجاد بعضی از احزاب دیگر هم که شاید مناسب نباشد نام ببرم، در راستای احساس همین ضرورت است.

● خط سوم: آقای غلامی شما در این زمینه صحبتی دارید؟

○ غلامی: اگر اجازه بدهید در رابطه با صحبت‌های جناب آقای دکتر

عرض کنم، آن چیزی که جناب آقای دکتر تأکید دارند و مایه نگرانی‌هایشان است و به حق هم هست، منتها ما باید به دنیا هم نگاه بکنیم. فرهنگ خودمان و فرهنگ دینی ما واقعاً همین است، منتها ما در یک گوشه از این کره زمین هستیم. چه بخواهیم و چه نخواهیم امروز فردا، فرهنگ جهانی بر ما حاکم خواهد شد. جنبه‌های دیگر فرهنگ بشری در نقاط دیگر دنیا هست. من موردی نمی‌بینم که فرهنگ بشری با فرهنگ دینی مردم تعارض داشته باشد.

● خط سوم: جناب آقای دکتر! از یک منظر که نگاه کنیم، در تاریخ معاصر ما و اخیراً و تاریخ صد ساله یک تقابلی است بین سنت و مدرنیسم و تجدیدگرایی و به اصطلاح چیزهایی که در دنیای نو مطرح شده و آن را بعضاً برخی از حکام، مثل امان‌الله و همین‌طور روشنفکران مطرح کرده‌اند. از طرف دیگر مقاومتی صورت گرفته است از سوی سنت. چطور بین این سنت‌ها و جنبه‌های مثبت دنیای جدید جمع بکنیم؟

○ دکتر معصومی: این امری است کاملاً مقدور و کاملاً هم مطلوب. ببینید، اگر اسلام را در سال‌های اخیر به روش طالبان مختصر بکنیم، در گذشته هم اسلام را باید به روش خوارج منحصر بکنیم، همان‌گونه که خوارج پدیده شومی بود و جزء تاریخ شد، طالبان هم از همان جنس هستند.

● خط سوم: ما آقای دکتر در تاریخ تقریباً تجربه حکومت اسلامی موفق نداشته‌ایم.

○ دکتر معصومی: بله، ۱۳۰۰ سال است که نداریم. ما به همین خاطر صحبت از یک ابتکار می‌کنیم. ما اگر به اعمال منفی نگاه بکنیم، همین ۱۳۰۰ سالی که رژیم‌هایی به نام کشورهای اسلامی داشتیم، رژیم‌های مثبتی نبودند. از این که بگذریم، می‌رسیم به مقوله فرهنگ. شما می‌دانید که فرهنگ یک مقوله مرکب است و وقتی می‌گوییم فرهنگ ما متشکل از سه جزء است: فرهنگ متعالی که همان فرهنگ انبیاء باشد، فرهنگ سنتی که مربوط به قوم و قبیله و عشیره و مشخصات جغرافیایی و طرز لباس پوشیدن رسم و رواجی که ما داریم است و فرهنگ معاصر، فرهنگ معاصر فعلاً در دست غربی‌هاست که یک نوع تشابه عمومی در بین مردم به وجود آورده است. بنابراین اگر لباسمان کت و شلوار است، این به خاطر فرهنگ معاصر است و اگر نماز می‌خوانیم، به خاطر فرهنگ متعالی است و اگر در عروسی‌ها و غیره به نحو خاصی شرکت می‌کنیم، به خاطر فرهنگ سنتی است. قشر روشنفکر امروز باید از میان فرهنگ سنتی انتخاب بکند. تمام آن قابل قبول نیست. ما امروز سنت‌هایی در جامعه داریم که جلماً باید بازنگری و تجدیدنظر شود. یعنی ما باید از سنت خودمان و همچنین از فرهنگ معاصر انتخاب کنیم. این نکته بسیار فریب‌دهنده‌ای است که ما دنبال کاروان فعلی بشریت برویم. من از این جور روشنفکران بسیار در هر اسم. در فرهنگ معاصر ما با نکات بسیار منفی و زشتی مواجه هستیم که اگر ما این‌ها را در دست قبول کنیم، در واقع روی شخصیت و تاریخ بعدی خود خط قرمز و خط بطلان کشیده‌ایم. ولی چیزهای خوبی هم دارد. یکی از چیزهای خوبی که فرهنگ معاصر دارد، علم دوستی، کار، نظم همگانی و احترام به آرای مردم است که این نکات زیاد است، ولی نکات منفی زیادی هم دارد. لیبرالیزم با فرهنگ دینی سازگار نیست. سکولاریزم با دین سازگاری ندارد. مسایل اخلاق و مبنای اخلاقی که در غرب وجود دارد اصلاً با فرهنگ دینی ما نمی‌سازد. جنایت بزرگی است که ما از نظر فکر برای





**معصومی: سکولاریزم با دین سازگاری ندارد. مسایل اخلاق و مبانی اخلاقی که در غرب وجود دارد اصلاً با فرهنگ دینی ما نمی سازد. جنایت بزرگی است که ما از نظر فکر برای نسل بعدی مجوز صادر کنیم از فرهنگ غرب کورکورانه تقلید کنند. مردم ما باید فرهنگ غرب را تجزیه کنند، تحلیل کنند و انتخاب کنند. اما در فرهنگ متعالی آن مقداری که ما به وحی می رسیم، همه را در بست و بدون کم و زیاد باید قبول کنیم.**

داریم، ما اجازه نداریم از این تخطی بکنیم و وقتی صحبت از اصلاح بشریت است و صحبت از عدالت است، ما نمی توانیم با توجه به دو تا طالب که آمده خنجر به دست گرفته و بعد یک نوع لباس مخصوص پوشیده، مردم را قتل عام کرده، بگوییم که اسلام چیزی ندارد. تفکر قرآنی تفکر اولوالبابی است. این چیزی نیست که بنده بگویم. ما این را بگیریم خط بکشیم، بعد بگوییم که بله، درباره فکر و نظر، فلانی ها پیشقدم هستند.

● خط سوم: آقای دکتر! اصلاً بحث شاید این نباشد که ما مطلق این طرز فکر را بپذیریم یا آن را. بحث بیشتر این است که ما چطور می توانیم به طور ظریفی راهی را پیدا کنیم که هم به عنوان عضوی از مجموعه خانواده بشری در این کره خاکی ادامه زندگی بدهیم و نقش انسانی خود را ایفا بکنیم و هم بتوانیم به ارزش های خود تا حدودی پایبند باشیم.

○ دکتر معصومی: بله، می شود. الان چهار راه در پیش است. یک راه سلطنت است که این راهی است باطل، منسوخ و ناپسند که می خواستند روی کار بیاورند و خوشبختانه نشد. راه دوم، دولت اسلامی مجاهدین بود که آن هم درست نیست. بی نظمی ها، بی برنامه گی ها، بی تدبیری ها، بی لیاقتی ها طوفان می کرد. راه سوم حکومت طالبان است که اصلاً حکومت کاملاً نامطلوبی بود. راه چهارم راهی است که از آن طرف پیشنهاد می شود، از راه های مختلف از طریق ملموس و غیر ملموس که با وعده و وعید بسیار به تبلیغ از آن می پردازند. ده تا وعده می دهند و به یکی هم عمل نمی کنند و بعد در شب لویه جرگه تهدید می کنند که اگر این مطلب چنین شد و پسوند اسلامی اضافه شد ما چنین و چنان می کنیم. بدین ترتیب ما اکنون در یک تنگنا قرار گرفته ایم. این راه چهارم هم غلط است. می ماند راه پنجم، راه پنجم، راه جدید اسلامی با اقتباسی از وحی و عقل است و هر دویس را ما قبول داریم. ما اصلاً به سکه ای نیاز داریم که یک طرفش تعقل باشد و طرف دیگرش هم تعبد باشد. این کار شدنی است و ما اگر این کار را نکنیم، راه نجات نداریم. یا در آخرین نقطه کاروان بشریت قرار می گیریم و یا در یکی از این راه ها قرار می گیریم.

● خط سوم: آقای فصیحی! شما مثل این که در ادامه صحبت های آقای دکتر هم صحبتی داشتید؟

نسل بعدی مجوز صادر کنیم از فرهنگ غرب کورکورانه تقلید کنند. مردم ما باید فرهنگ غرب را تجزیه کنند، تحلیل کنند و انتخاب کنند. اما در فرهنگ متعالی آن مقداری که ما به وحی می رسیم، همه را درست و بدون کم و زیاد باید قبول کنیم.

● خط سوم: ببخشید آقای دکتر، وحی هم به هر حال از مجرا و کانال تفسیر بشری می گذرد.

○ دکتر معصومی: همین جمله از غرب آمده، همین که شما فرمودید. ● خط سوم: ما در اسلام هم تفاوت تفسیر داریم.

○ دکتر معصومی: نه خیر، نه خیر، اجازه بدهید ماریشه های مطلب را بازگو کنیم.

● خط سوم: مذاهب کلامی اسلامی هم همدیگر را نفی و رد می کردند.

○ دکتر معصومی: شما ناراحت نشوید، بحث آزاد است. شما میزبانید و ما مهمان. همین جمله هم از غرب آمده است. یعنی همین هم یک مطلب کلامی است که از غرب ترجمه شده و توسط اشخاص خاصی و با عبارات زیبا به خورد ما داده شده است. اصلاً شما می گوید که به وحی نمی رسیم. این در مسیحیت است. در اسلام نیست. ما می توانیم به وحی برسیم. ما همین الان می توانیم ۹۹ درصد به مسایل وحی به طور خالص برسیم. به طور مثال، اگر دو هزار مسأله فقهی وجود داشته باشد، در پنجاه مسأله اش اختلاف وجود دارد در هزار و نهصد و پنجاه تا پیش هیچ اختلافی وجود ندارد، چرا؟ برای این که همه به آن می رسیم. ما اصلاً به سر منشاء وحی می رسیم. انجیل غیر از دستورات اخلاقی چیز دیگری ندارد و پیروان آن مجبورند با هوش معمولی خود چیزهایی درست کنند. ولی ما نباید این کار را بکنیم. راه نجاتی اگر بشریت داشته باشد، پیروی از انبیاء است. در غیر آن ضرر می کنیم و ما امروز بر سر این دو راهی جدی قرار داریم. متأسفانه امروز نگرانی ماها از نگرانی زمان جهاد به مراتب بیشتر است. برای آن که در جهاد، جسم مردم نابود می شد و خونشان بر زمین می ریخت، ولی با این وضع جدیدی که پیش آمده، صحبت از یک نوع سکولاریسم است. در این سکولاریسم به نظر می رسد تعدادی از خودی ها بیشتر کمک کنند تا کسانی که طرفدار جدی این فکر هستند. این مطلب بسیار اساسی است که ما به وحی دسترسی داریم یا نداریم. اگر نداریم حرف، درست همان است که آن ها می گویند. اگر



○ **فصیحی:** خدمت شما عرض بکنم که درباره رابطه دین و دولت، به نظر من نه آن گونه که جناب آقای دکتر می فرمایند، قابل تطبیق در جامعه فعلی ما است و نه آن گونه که بعضی از برادران اشاره می کنند. مثلاً بعضی از روشنفکران ما می گویند که دین مربوط به ارزش هاست و دولت یک روش است که مربوط به عرف و عقل انسان است. اولاً اسلام به عنوان یک دین هیچ گاه با تمدن مخالف نیست. این را همه قبول دارند. اگر کسی قبول ندارد، بگوید که این جای دین اسلام با تمدن ناسازگار نیست که مشخصاً روی آن موضوع بحث شود. اگر فرهنگ ها را در نظر بگیریم، فرهنگ هر کشور با کشور دیگر متفاوت است. حتی شهرها فرهنگشان با یکدیگر متفاوت است. مثلاً دست دادن مرد با زن نامحرم در فرهنگ دینی ما حرام است. اگر ما بخواهیم همین فرهنگ را گسترش بدهیم و آن را یک شیوه روشنفکری بدانیم؛ یعنی اگر زن ها با مردها دست دادند به اوج تمدن رسیده اند، این تمدن نیست. این اصلاً با فرهنگ و عتقات و رسوم افغانستان و با غیرت و وجدان افغانی سازگاری ندارد. از این طرف اگر ما به هر حرکت خلاف ملی پسوند اسلامی بزنیم، به نظر من این ظلم به اسلام است. ما باید مشخص بکنیم، یعنی معیارها و ملاک های اسلام و معیارها و ملاک های ملی را باید از هم جدا بکنیم. به نظر من اسلام با تمدن و پیشرفت و دنیای خارج از خود مخالف نیست. اسلام دین صلح است، دین امنیت است. بنابراین ما هم می توانیم از ارزش های دینی پیروی کنیم و هم با تمدن بشری گام به گام پیش برویم.

● **خط سوم:** جناب آقای قدسی! شما به دلیل این که در داخل حضور داشتید و از نزدیک مسایل را شاهد بودید، لمس کردید مساله ای که اداره موقت از آن شکایت دارد، نرسیدن کمک های مالی است که در کنفرانس توکیو قول داده شده بود. شما دلیل چنین تاخیر و امساک را از سوی کشورهای کمک دهنده چه می دانید؟ آیا این دلیل بر آن نیست که اداره موقت نتوانسته است اعتماد بین المللی را مبنی بر این که کمک ها در راه های مناسب مصرف می شود جلب کند؟

○ **قدسی:** در این قضیه دو عامل دخالت دارد. یکی از عوامل این است که هنوز دولت، اداره شش ماهه و اداره فعلی به آن حد از بلوغ نرسیده که بتواند کمک های مادی را که به افغانستان سراریز می شود به بهترین شکل جهت بدهد و در جای مناسب به مصرف برساند. عامل دوم انگیزه های سیاسی است. هم اداره شش ماهه و هم دولت انتقالی و فعلی، از هر لحاظ، چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت کاری و از لحاظ حضور عناصری که در کابینه قبلی و فعلی بوده، طوری نیست که غربی ها آن را انتخاب کرده باشند. خواست غربی ها این بود که کابینه ای لائیک و غیر مذهبی و بیشتر متمایل به غرب به وجود بیاید که در آن صورت به آن کمک می کردند. در دوره شش ماهه این کمک ها صورت نگرفت. دلیلش این بود که سعی می کردند اداره قبلی را در نظر مردم ناکارآمد جلوه بدهند تا زمینه را برای حضور عناصر جدید غرب گرا و تحصیل کرده و دارای تفکرات لائیک و سکولار فراهم بکنند، ولی روی هم رفته جو لویه جرگه به گونه ای که آن ها متمایل بودند، به وقوع نپیوست، به همین لحاظ برداشت بنده این است که به این زودی ها باز هم آن کمک های وعده داده شده به افغانستان سراریز نخواهد شد.

● **خط سوم:** اگر آن ها راضی نبودند از اداره موقت حمایت کنند و مترصد بودند که به هر حال اداره موقت جایش را به یک چیزی غیر از خودش بدهد، چرا تلاش نکردند که این کار صورت بگیرد؟

○ **قدسی:** تلاش کردند، منتها نمی توانستند آشکار تلاش کنند. شاید خود همین عدم کمک های مالی خودش یک گام مهمی بوده در راستای اهدافی که آن ها داشتند. باید آن ها از طریق لویه جرگه این کار را می کردند، اما لویه جرگه ترکیش به گونه ای به وجود آمد که خودبه خود همین بازدهی را باید می داشت که از خود به جا گذاشت.

● **خط سوم:** وزیر کابینه، به جز شخص آقای کرزی در مذاکرات پشت پرده تعیین شدند. در این مذاکرات پشت پرده هم شاهد بودیم که غربی ها و به ویژه امریکایی ها خیلی نقش داشتند، یعنی لویه جرگه در تعیین فلان شخص وزیر چندان نقشی نداشته، صرفاً رای داده و رای هم مثبت بوده و اگر لویه جرگه به فلان وزیر رای نمی داد، ما می فهمیدیم که یک نقشی را ایفا کرده است. چطور شما می گویند که لویه جرگه برخلاف خواست کشورهای غربی بود؟

○ **قدسی:** من معتقدم که غربی ها نمی توانستند در مذاکرات پشت پرده در حد تغییر ماهیت کابینه تأثیر بگذارند. این مذاکرات بین خود اطراف افغانی بوده، نه بین خارجی ها و افغانی ها. مجاهدین به توافق رسیده بودند که کاندیدهای ما این ها باید باشند و نمایندگان مجاهدین در لویه جرگه هم این کابینه را با همین ترکیب، اکثریت قاطع شان تأیید کردند. در نتیجه جهان غرب نمی توانست در برابر چنین خواستی مقاومت کند و من مطمئن هستم که باز این تلاش ها ادامه پیدا خواهد کرد.

● **خط سوم:** از حرف های شما نتیجه می گیریم اگر این نتیجه گیری درست باشد و دولت عبوری فعلی به همین شکل تثبیت شود، امید چندانی نباید به جذب این کمک ها داشته باشیم.

○ **قدسی:** البته در این جا کشورهایی که وعده همکاری داده اند، باید به تعهدات خود عمل کنند، زیرا همین اداره فعلی که به وجود آمده، اداره ای است که مورد خواست مردم است. ۱۶۰۰ نفری که در لویه جرگه جمع شده بودند، نمایندگان مردم بودند و آن ها هم این کابینه را تأیید کردند. پس دولت فعلی یک دولت مردمی و مورد تأیید و اعتماد آرای مردم است.

● **خط سوم:** سؤال بعدی ما از آقای باقری است. آقای باقری! می دانیم که آقای کرزی شخصاً بارها اعلام کرده که در مسایل اقتصادی و مفساد اقتصادی و رشوه خواری و غیره سختگیر خواهد بود. اولاً تجربه اداره موقت را در این زمینه چگونه ارزیابی می کنید و ثانیاً به نظر شما چه تمهیدات قانونی و حقوقی باید در نظر گرفته شود که این آمال برآورده شود؟

○ **باقری:** خدمتان عرض کنم تا جایی که اطلاع داریم، متأسفانه دولت تا به حال نه تنها هیچ موفقیتی در این زمینه نداشته، بلکه تا جایی که ما می شنویم، روز به روز این مشکل جدی تر می شود. البته دلیل اصلی این قضیه را باید در همان مسأله قبلی جستجو کرد که شما خود مورد بحث قرار دادید. دولت در شرایط فعلی با توجه به این که هیچ منبع درآمد داخلی ندارد، نمی تواند دستگاه اداری خود را تأمین کند، تا چه رسد به این که مقررات حقوقی و قانونی ایجاد کند که اگر بعد از تأمین کردن پرسنل اداری دولت، کسی تخلف کرد، جلوش را با قانون بگیرد. تا به حال دست دولت، خالی است. کشورهای خارجی که وعده کمک داده اند، در حد پنجاه درصد هم به وعده شان وفا نکرده اند. این کمک ها برای شکل گرفتن اداره موقت در دسترس دولت قرار نگرفته است. منابع دیگری هم که دولت ندارد و طبیعی است که این مشکل حل نمی شود.





مشکل در صورتی حل می شود که دولت اعتبار کافی داشته باشد و بتواند کادر اداری خودش را تأمین کند. در قدم بعدی از این پرسنل بخواهد که تکلیف نکنند. برداشت من این است تا زمانی که دولت این توانایی را نداشته باشد که بتواند دستگاه های خودش را تأمین کند، این مشکل هم چنان ادامه پیدا خواهد کرد. جهت دیگر قضیه این است که هنوز اداره موقت و اداره عبوری واقعا تسلط کاملی بر دستگاه های اداری خود ندارد، یعنی هنوز بخش های مختلف تا حدودی مستقل به کار خود ادامه می دهند.

● خط سوم: جناب آقای غلامی! یکی از شعارهای اداره موقت که شعار منطقی و معقولی هم بوده، این بوده که شایسته سалاری را راه بیندازد و در جذب پرسنل خودش تخصص را ملاک قرار دهد. برداشت شما چیست؟

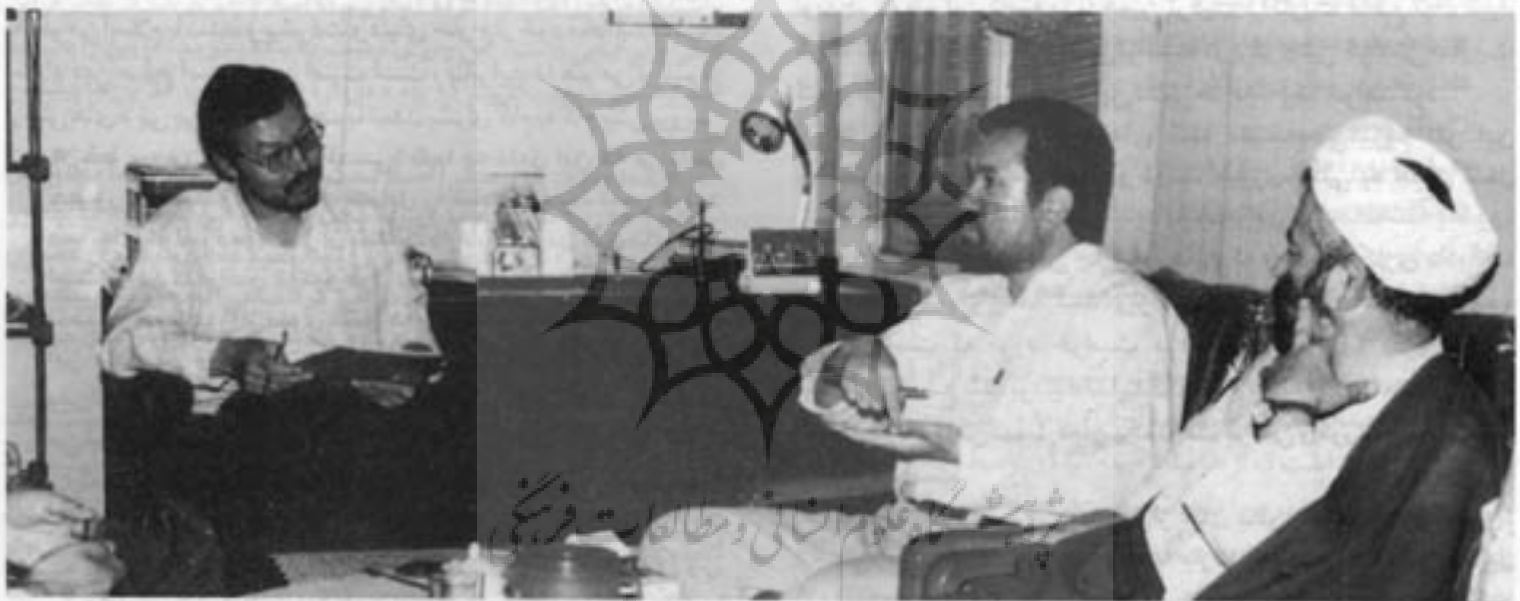
○ غلامی: اگر به طور صریح عرض کنم، می شود گفت که نه، در این زمینه دولت اصلا موفق نبوده، دلایلی هم دارد. یک بخش از این دلایل به خود اداره موقت و افراد عمده اش برمی گردد و یک قسمتش مربوط است به وضعیت فعلی افغانستان و شرایط حاکم و بخش دیگر

● خط سوم: آخرین سؤال ما از شماست، جناب آقای فصیحی! یکی از شروط اعطای کمک های قول داده شده از سوی جامعه بین المللی و کشورهای کمک دهنده، برقراری امنیت داخلی است و طبعا برقراری امنیت کامل بستگی دارد به جلب اعتماد داخلی و به ویژه جلب اعتماد جناح ها و افراد قدرتمندی که در اطراف و اکناف کشور وجود دارند. در این زمینه تجربه اداره موقت را چگونه ارزیابی می کنید؟

○ فصیحی: برای اداره موقت فعلی چندین مشکل وجود دارد. اولین مشکل مشکل امنیت است. اداره موقت واقعا در تلاش است که امنیت را برقرار بکند...

● خط سوم: اداره شش ماهه در این زمینه چه کار کرده؟ ما داریم کارنامه اداره شش ماهه را بررسی می کنیم. این اداره در زمینه جلب اعتماد افراد ذی نفوذی که نفوذ مردمی یا نظامی دارند، چه گام های مثبتی را برداشته است؟

○ فصیحی: به نظر من اداره موقت شش ماهه تلاش های زیادی در برقراری امنیت کرده، اما متأسفانه موفقیت چندانی نداشته است. نمونه اش ترور دکتر عبدالرحمان و آقای حاجی عبدالقدیر است. بنابراین



موسسه فرهنگی و اجتماعی  
کابل

اگر از این زاویه نگاه کنیم، به آن صورت موفقیت نداشته است، یعنی نامنی به عنوان یک مشکل همچنان باقی هست.

● خط سوم: یکی از معضلات ما مسأله اقوام است. در این زمینه چقدر رضایت و اعتماد ملیت های مختلف جلب شده که بتوانند با اداره موقت همکاری کنند یا اداره موقت را از خود بدانند؟

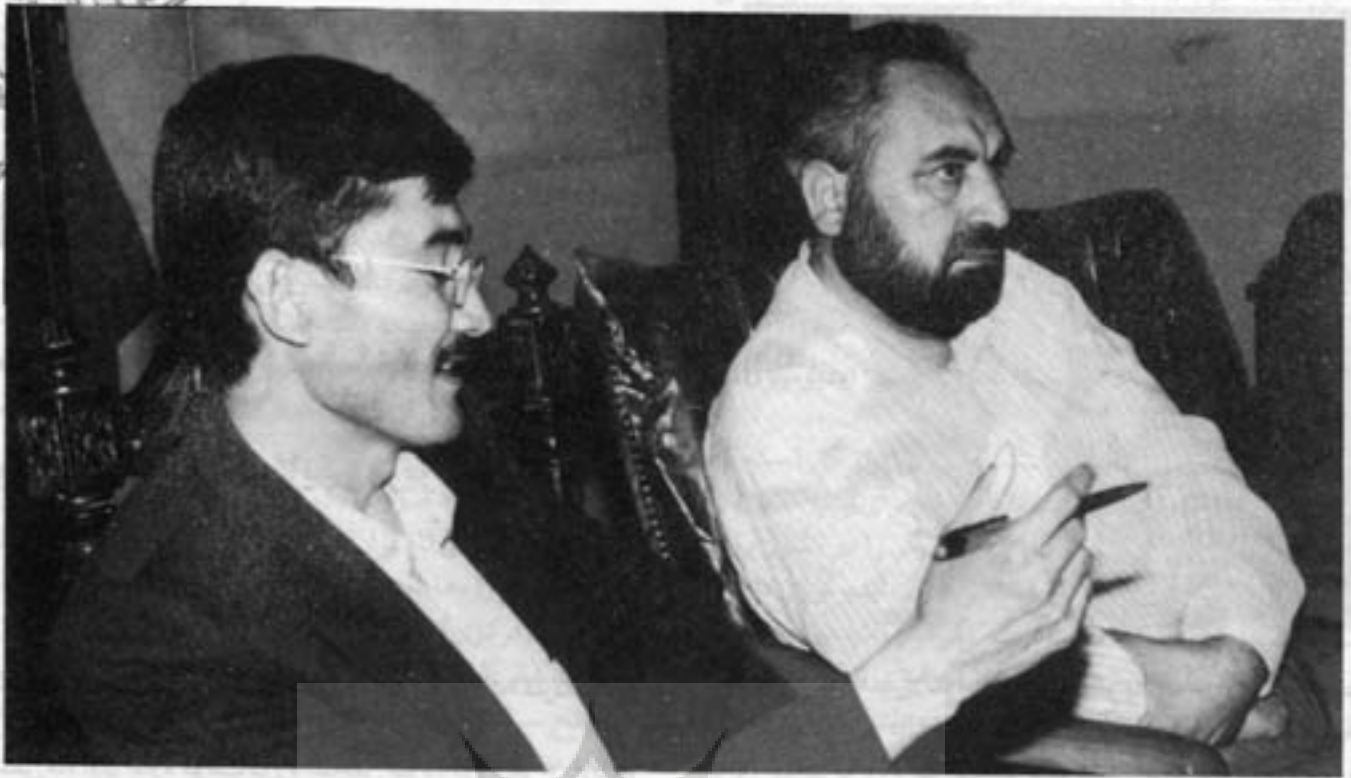
○ فصیحی: در این زمینه نسبت به دولت های گذشته تا حدودی موفق بوده. در طول تاریخ افغانستان اقوام و ملیت های ساکن کشور به اندازه حضورشان در افغانستان نقش ایفا کرده اند. اما تا این حدود در دولت سهم نداشته اند.

● خط سوم: آقای قدسی! مثل این که شما در این زمینه صحبتی دارید.

○ قدسی: فرمایش جناب آقای فصیحی که فرمودند دولت موقت در امر تأمین امنیت و جذب عناصر ذی نفوذ موفقیت نداشته، به نظر من درست نیست. در افغانستان یک امنیت نسبی که بتواند برای مردم آرامش

هم برمی گردد به افراد و جناح هایی که اجلاس بن را دایر کردند. اول از شرایط اوضاع شروع کنیم. شرایط طوری است که ما هنوز در کشور از حالت جنگی خارج نشده ایم. مشخص است که در جایی که صحنه گردان قدرت زور باشد، جایگاه کمتری برای شایستگان که اکثر اهل فرهنگ و دانش هستند، وجود دارد. خود اعضای کابینه اداره موقت هم چون اکثریت خودشان افرادی کم سواد هستند و اکثر روابط حزبی و گروهی دارند، در دیدگاهشان چیزی به نام شایسته سالاری به معنی خاصی که شما در نظر دارید، وجود ندارد. یکی از رهبران به من گفت، شایسته سالاری در این جا یعنی پسرخاله وزیر باشی، پسرخاله وکیل باشی. اما یک مقدار هم شایستگان کوتاه می کردند. با توجه به اوضاع وخیم افغانستان متأسفانه جامعه روشنفکر ما، جامعه پاسواد و تحصیل کرده ما، رسالت واقعی اش را که برود به افغانستان مدت یک سال و دو سال و یا چند سال سختی ها را تحمل بکند و به طور طبیعی و با فشار افکار عمومی و یا با تلاش وارد کادرهای عمومی شود، چنین چیزی هم وجود ندارد.





روحی و روانی ایجاد بکند به وجود آمده است اگر در مواردی ناامنی، دزدی و ترور دیده می‌شود، موارد بسیار استثنایی است. مثلاً چند فرد محورهای کلیدی حکومت‌های محلی را تشکیل می‌دادند؛ مثلاً در حوزه غرب اسماعیل خان، در حوزه شمال دوستم، و در مناطق مرکزی آقای خلیلی بوده و این‌ها در حقیقت عناصر کلیدی اند که ساحت وسیعی از جغرافیای افغانستان را در کنترل داشتند. جناب آقای کرزی و در مجموع اداره موقت در خلال شش ماه حکومت موقت شان، این عناصر را توانستند با خودشان همسو و هماهنگ بسازند.

● خط سوم: ولی آقای قدسی! آقای جنرال دوستم که شما نام بردید و آقای عطا محمد چندین بار در همین دوره اداره موقت با هم رویارو شده و در واقع با زبان توپ با هم سخن گفته‌اند. همین‌طور در این روزها شاهدیم که در نواحی ای از هرات و قندهار اختلافاتی دارند. در شرق نیز مشکل وجود دارد. همه این مشکلات به معنی عدم امنیت نیست؟

○ قدسی: عرض کردم که مواردی پیش آمده و جنگ‌هایی صورت گرفته، ولی جنگ‌هایی که در بیرون این همه بازتاب داشته، در داخل به آن پیمانان نیست. وقتی می‌گوییم نسبی، منظور این است که گاهی از این موارد پیش می‌آید، ولی در مجموع در به وجود آوردن یک امنیتی که مورد اطمینان مردم باشد و مردم به آن دل ببندند و احساس آرامش بکنند، اداره موقت موفق بوده است.

● خط سوم: آقای فصیحی! شما اگر صحبتی دارید بفرمایید.  
○ فصیحی: در ارتباط با ایجاد امنیت مورد بحث، اگر قتل عام‌ها و جنگ جبهه‌ای را در نظر بگیریم، بله امنیت نسبی به وجود آمده و دیگر جنگ جبهه‌ای به آن صورت وجود ندارد. اما اطمینان صد در صد برای مردم حاصل نشده است. به عنوان مثال وقتی مردم می‌بینند که برای محافظین آقای کرزی از نیروهای خارجی استفاده می‌شود، این شاهکار نشانگر این است که امنیت حاکم نیست! واقعیت این است که اگر به دیده نقادانه بنگریم، هنوز اطمینانی حاصل نشده است. به همین خاطر است که روند بازگشت مهاجرین از جمهوری اسلامی ایران بسیار کند

است.  
● خط سوم: آقای قدسی! با این توضیحاتی که فرمودید، می‌شود نتیجه گرفت که آن احساس آرامش و امنیتی که مردم در مناطق یا در کابل دارند، بیشتر مرهون یا معطوف به حضور نیروهای حافظ صلح بین‌المللی است، اما در ولایات که اغلب نیروهای محلی حاکم هستند، امنیت رضایت‌بخش نیست؟

○ قدسی: البته نه، نیروهای حافظ صلح در کابل حضور دارند و در دیگر جای‌ها نیستند و در کابل هم هیچ‌گونه نقش امنیتی ندارند و بیشتر در دخمه‌های خودشان به سر می‌برند. واقعاً این قسم نیست. درباره برگشت مهاجرین از ایران، من فکر می‌کنم علت اصلی اش مشکل اقتصادی مردم است. مهاجری که از این جا با دست خالی بلند می‌شود و به افغانستان می‌رود، در حقیقت از لحاظ اقتصادی خودش را در جهنم می‌اندازد.

● خط سوم: چطور اگر مهاجری از این جا بلند شود و خانواده‌اش را به شمال ببرد، وقتی آقای دوستم و آقای عطا محمد از میله توپ سخن بگویند، هراس ندارد که خود یا خانواده‌اش کشته شوند؟  
○ قدسی: چنین چیزی نیست، اگر باشد بله یقیناً، اگر باشد.

● خط سوم: آقای غلامی شما بفرمایید!  
○ غلامی: با صحبت‌های جناب قدسی موافق نیستم. از نقاط ضعف بسیار عمده اداره موقت همین است که نتوانسته واقعاً امنیت را تأمین کند. در واقع در همان کابل هم خودش امنیت ندارد. نمونه‌اش همین ترورهاست. در خارج کابل در هیچ جای افغانستان متأسفانه اداره موقت حاکمیت ندارد. بارها و در جاهای مختلف به مال و جان مردم تعدی‌هایی انجام شده است. علت عدم بازگشت مهاجرین در بسیاری از حوزه‌ها همین مسأله هست. انتظار می‌رود که اداره آینده این مشکل را حل بکند. این واقعاً ضعف بزرگی است.

● خط سوم: آقای قدسی، آقای غلامی، آقای باقری، آقای فصیحی و آقای دکتر معصومی از حضورتان در این میزگرد بی‌نهایت سپاسگزاریم.

